

This question paper contains 4+2 printed pages]

Your Roll No.....

1662

B.A. (Hons.)/I

D

URDU—Paper II(a)

(Persian Prose and Poetry)

(Advance)

Time : 3 Hours

Maximum Marks : 75

(Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.)

درج ذیل کے اقتباسات میں سے کوئی دو کا اردو میں ترجمہ

۲۵

کیجئے:

(الف)

یکی از ملوک عرب رنجور بود۔ در حالت چیری و امید زندگانی

قطع کرده کہ سواری از در، در آمد و بشارت داد کہ فلان

P.T.O.

قلعه را به دولت خداوند گشادیم و دشمنان اسیر و سپاه ورعیت
 آن طرف به جنگی مطیع فرمان گشتند - ملک نفسی سرد بر آورد
 و گفت این مژده مرانیت دشمنانم راست یعنی وارثان
 مملکت -

(ب)

یکی از آنان که غور کردند با من دم دوستی بود - ملاقات کردم و
 گفتم، دون است و بی سپاس و سفله و ناحق شناس که به اندک
 تغییر حال از مخدوم قدیم برگردد و حقوق نعمت سالها در نوردد،
 گفت از به کرم معذور داری شاید که اسپم درین واقع بی جود
 بود و نمدرین به گرو و سلطان که به زر بر سپاه بی بخیلی کند با او به
 جان جوان مردی نتوان کرد -

(ج)

طایفه دزدان عرب بر سر کوهی نشسته بودند و منفذ کاروان بسته و
 رعیت بلدان از مکاید - ایشان مرعوب و لشکر سلطان مغلوب به

حکم آنکہ ملاذی منبع از قلعه کوہی گرفتہ بودند و بجاء و ماوای خود
 ساختہ۔ مدبران ممالک آن طرف در دفع مضرت ایشان
 مشاورت ہی کردند کہ اگر طاقتہ ہم برین نسق روزگاری
 مداومت نمایند۔ مقاومت ممتنع گردد۔

مندرجہ ذیل اشعار میں سے کوئی دو کی شرح کیجئے:

(الف)

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل مارا

بخال ہندوش نخشم سمرقند و بخارا را

بدہ ساقی مئی باقی کہ در جنت نخواہی یافت

کنار آب رکناباد و گلگشت مصلی را

نفاں کین لولیان شوخ شیرین کار شہر آشوب

چنان بردند صبر از دل کہ ترکان خوان یغمارا

ز عشق نا تمام ما جمال یار مستغنی ست

بآب و رنگ و خال و خط چہ حاجت روی زیبارا

(4)

(ب)

گر مطب حریفان این پاری بخواند

در رقص حالت آرد پیران پارسارا

آن تلخوش که صوفی ام الخجانشش خواند

کاین کیمیای هستی قارون کندگدازا

خوبان پاری گو بخشندگان عمرند

ساقی بده بشارت پیران پارسارا

حافظ بخود پوشید این خرقةء ممی آلود

ای شیخ پاک دامن معذور دار مارا

(ج)

مرد آن نبود که خلق خوار اند اورا

وز بیم بدی نیک شمارند اورا

رندی که نمود روی دستی بکرم

رندان همه پشت دست دارند اورا

دانی کہ چہ مدتیت ای دلبرما

تابی جہتی برفتہ ای از برما

خود کس نفرستی ونہ پرسی ہرگز

تابی تو چہامی گذر د بر سرما

۱۵ - ۳ - مندرجہ ذیل میں سے کسی ایک پر مختصر انشاء لکھئے:

(۱) رباعیات خیام

(۲) احوال و آثار حافظ

(۳) گلستان سعدی

۱۵ - ۴ - مندرجہ ذیل اقتباس یا شعر کا سادہ فارسی میں خلاصہ کیجئے:

دل می رود ز دستم صاحب دلان خدا را

دردا کہ رازِ پنہاں خواهد شد آشکارا

درہ روزہ مہر و گردون افسانہ ایست و افسون

نیکی بجای یاران فرصت شمار یارا

ملک زاده ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر و دیگر برادران بلند و
 خوب روی - باری پدر به کراهت و استحقار درو نظری کرد - پسر
 به فراست و استبصار به جای آورد و گفت ای پدر، کوتاه خرد مدن
 به که نادان بلند - نه هر چه به قامت مهر به قیمت بهتر -